

حواس دیگر

آذر بشیرزاده



انتشارات آردمان

فهرست

- حس اول: درباره‌ی این مقاله ۹
- حس دوم: تابستان سال بعد ۱۹
- حس سوم: نیم ساعت بیشتر ۲۹
- حس چهارم: اشیاء متفرقه ۳۵
- حس پنجم: شبیه شوشو ۴۱
- حواس دیگر ۴۷

حس اول: درباره‌ی این مقاله

این پیوست مربوط به ادامه‌ی یادداشت‌های مطالعات صحرایی هفتم بهمن ماه سال جاری است. درست، می‌شود چهارشنبه‌ی دو هفته قبل که هیچ شباهتی به چهارشنبه‌های قبلی نداشت. تا آنجا که خاطر م بوده، بیشتر اتفاقات خوشایند توی این روزها برایم پیش آمده و یک جورهایی این روز از هفته را دوست داشته‌ام. درست سر ساعت هشت و پنج دقیقه صبح که بلورهای ریز برف را روی شیشه‌ی اتوموبیل دیدم، تنها چیزی که آمد توی ذهنم، تفاوت چهارشنبه‌های من و پری بود که مدام از دست این روز می‌نالید. آخر سر هم حرف، حرف پری شد. اصلاً شب گذشته‌اش هم کلی فرق داشت با آن یکی شب‌های دیگر که آقای میم هم ساعت ده و چهل و دو دقیقه گوشی‌اش را خاموش کرد و تا نصفه‌های شب حتی توی اینترنت هم پیدایش نبود. شاید هم سردرد باقی‌مانده از کم‌خوابی شب قبل، کار دستم داد که حاصل همه‌ی چهل و پنج دقیقه چکش زدن و مترکشی و نوشتن جزئیات مربوط به توصیفات سنگ‌شناسی و GPS زدن و پُر کردن یک کیسه‌ی متوسط زیپ‌دار پر از مارن سبز و بیست دقیقه تپه‌نوردی تا پیدا کردن لایه‌ی گم